دانش

در جست‌وجوی پیام کیهانی ۲۸

دانش

اکسیر جوانی ۲۸

خانه

خانه‌ای پر از نور طبیعی ۲۹

جامعه

احتمال گسترش بیابان در تهران .. ۳۰

ایران- مکزیک در مرکز فوریت‌های پلیسی

روز بدون جرم

فرهاد عشوندی : تنها سی دقیقه به شروع بازی مانده. خیابان‌های تهران جنب و جوش خاصی دارند. مردم زیادی کنار خیابان در انتظار تاکسی ایستاده‌اند اما حتی دیگر «دربست» هم دوای درد نیست. همه می‌خواهند زودتر خودشان را به خانه برسانند تا فوتبال را از نزدیک تماشا کنند.

انتهای خیابان منتهی به پارک طالقانی پشت ایستگاه مترو میرداماد و جایی مشرف به اتوبان همت در مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ بیش از دویست مامور انتظامی همراه با فرماندهانشان لحظه به لحظه شهر را زیر نظر دارند تا اتفاقی تلخ نیفتد. نمایندگانی از شرکت گاز، آب، برق، آتش‌نشانی، اورژانس تهران و چند نهاد امنیتی هم آمده‌اند تا همه ارگان‌ها آمادگی‌شان را برای کنترل تهران در شب یک مسابقه مهم نشان دهند.

حتی در مرکز فوریت‌های پلیسی همه در انتظار تماشای بازی ایران و مکزیک لحظه‌شماری می‌کنند. در حیاط مرکز پرده سفید بزرگی نصب شده تا برای اولین‌بار یک فوتبال حساس را اعضای این مجموعه دسته‌جمعی نگاه کنند.

حالا دیگر داور سوت آغاز بازی را به صدا درآورده. بیش از ۵۰ سرباز و درجه‌دار که چند نفری از آن سرتیپ هستند با حرارتی بالا به تماشای بازی نشسته‌اند.

ایران بازی را خیلی خوب شروع می‌کند با همان اولین شوت مهدوی‌کیا همه فریاد گل سر می‌دهند اما دروازه‌بان مکزیک توپ را خیلی راحت جمع می‌کند تا همه سر جایشان بنشینند.

طبقه اول ساختمان چهار طبقه همان جایی است که تهران را از آن کنترل می‌کنند. سمت راست ساختمان اپراتورها نشسته‌اند و به تلفن مردم جواب می‌دهند. سمت چپ هم مرکز فرماندهی است که تماس‌ها را کنترل و دستور اعزام نیرو می‌دهد انتهای سالن سمت چپ جایی است که مانیتورها تصاویر دوربین‌های کنترل شهر در آنها نصب شده است.

حالا ۱۰ دقیقه‌ای از شروع بازی گذشته، دوربین‌ها نشان می‌دهد که هنوز اتوبان مدرس از ورودی جردن ترافیک سنگینی دارد اما بزرگراه صدر و رسالت تقریباً خالی از ماشین هستند. در همت، شاهراه همیشه شلوغ تهران هم هر ده ثانیه یک‌بار ماشینی عبور می‌کند. ترافیک مدرس حاصل از تصادفی است که در این بزرگراه شده.

در ایستگاه مترو پرنده پر نمی‌زند و یکی از مسئولین سایت می‌گوید خیابان‌های فرعی هم خالی از جمعیت شده‌اند. (تهران بزرگ برای تماشای فوتبال تعطیل شده است. تعداد زنگ‌خورها به‌طور محسوسی پایین آمده و تقریباً اعضای مرکز با خیالی آسوده به تماشای فوتبال نشسته‌اند.)

دقیقه پانزده بازی است که سردار طلایی به مرکز پلیس برمی‌گردد تا از دفترش اتفاقات امشب را زیر نظر داشته باشد. نیروهای پلیس تهران از صبح بازی در آماده‌باش بوده‌اند. ساعاتی قبل طلایی در کنفرانس مطبوعاتی این خبر را اعلام کرده و گفته بود «همراه با تمام مردم برای پیروزی تیم ملی لحظه‌شماری می‌کنیم اما از مردم تقاضا داریم که در حفظ آرامش شهر همراه ما باشند.»

آنها آمادگی کامل دارند تا در صورت پیروزی یا شکست تیم از تخریب اموال عمومی جلوگیری کنند. در مرکز (بازخورد) اپراتوری که پشت کامپیوتر نشسته از مامورین کلانتری سلطان‌آباد می‌پرسد نتیجه اعزامشان به محل درگیری چه بوده و بعد رو به جمع می‌گوید: «وسط فوتبال به این مهمی اینها هم بی‌کارند افتادند به جان هم!» اتفاق خاصی نیفتاده چند نفر با هم گلاویز شده‌اند اما حضور پلیس دعوا را تمام کرده. هیچ‌کس بازداشت نشده است. حالا دقیقه سی بازی است.

دیگر تماس‌های گرفته شده با مرکز گزارش دعوا در شهران و یک تجمع خارج از عرف در حوالی ونک است. در این دقایق بیشترین فعالیت در مرکز را مامورین پلیس راهنمایی و رانندگی دارند. عجله برای رسیدن به فوتبال تصادف‌های زیادی را به همراه داشته است. تجمع خارج از عرف در ونک مربوط به مغازه‌ای است که تلویزیونی گذاشته و عده‌ای جمعی به تماشای بازی نشسته‌اند. این گزارش مامورین اعزامی به محل است.

یک کرنر، شلوغی جلوی دروازه، یحیی و گل! «گل» «گل» «گل»، این فریادی است که همزمان از حیاط طبقات بالایی مرکز کنترل تصویری سر داده می‌شود. شلوغی مدرس از بین رفته، حالا دیگر تمام شهر تعطیل شده و همه به تماشای بازی نشسته‌اند.

سرهنگ تورنگ رئیس مرکز اطلاع‌رسانی که از ماموریتش برگشته می‌گوید «خیابان‌ها این‌قدر خلوت است که انگار حالا به‌جای ساعت ۸ شب ساعت چهار صبح است. فقط لحظه گل بود که شهر منفجر شد و دوباره سکوت.» همه مردم میخ تلویزیون شده‌اند تا فوتبال را تماشا کنند.

هلی‌کوپتری بالای شهر در حال پرواز است. تورنگ می‌گوید این هم قسمتی از ماموریت‌ما برای کنترل شهر است. بی‌سیم او هر چند لحظه یک‌بار به کار می‌افتد، تجمعی جلوی پارک ملت. آنجا تلویزیونی نصب شده و جمعیت زیادی جمع هستند. برای کنترلش فرمانده دستور می‌دهد چند واحد گشتی در محل مستقر شوند. این‌بار نوبت به میدان ونک است. تلویزیون بزرگ روشن شده. مامورین سریع به منطقه می‌روند اما این اسکوربورد تنها تبلیغ پخش می‌کند، پس خطری نیست.

خلاصه گزارش

از ساعت هفت تا ده یکشنبه شب تعداد ۱۰۴۱ تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی تهران گرفته شد که این تعداد در شب قبل از آن ۱۳۸۴ مورد بوده است. همچنین در دو ساعت بازی ایران ۷۴۷ مورد تماس با این مرکز گرفته شده که شب قبل از آن در همین مدت ۸۳۴ مورد بوده است.

این آماری است که مرکز پلیس تهران در اختیار ما قرار داد. مرکزی که هر روز بیش از ۲۶ هزار زنگ‌خور دارد یکشنبه شب انگار تعطیل بود. تورنگ مسئول اطلاع‌رسانی این مرکز می‌گوید: «بیش از ۵۰ درصد این تماس‌ها مربوط به تصادفات رانندگی بر اثر عجله برای رسیدن به مسابقه فوتبال در ساعات اولیه شب بوده و چند درصد آنها هم نزاع‌های جمعی، تجمع و... بوده‌اند.»

فوتبال بار دیگر قدرت جادویی‌اش را به نمایش گذاشت؛ اینکه شهری به بزرگی تهران را یک مسابقه فوتبال تعطیل می‌کند و آرامش را به شهر باز می‌گرداند. تهران یکشنبه یکی از آرام‌ترین شب‌های تاریخش را سپری کرد.

یک اشتباه در مرکز زمین، یک حمله از مکزیک «وای!» همه چیز خراب شد گل دوم را خوردیم. پرسنل حسابی کلافه شده‌اند. کم‌کم اعتراض‌ها شروع می‌شود. (بابا این علی دایی چه...) بکش بیرون، این میرزاپور هم که فقط... و لحظاتی بعد گل سوم را هم می‌خوریم. دیگر کسی نای راه‌رفتن ندارد. دقایقی بعد سوت پایان بازی و لشکر شکست خورده باز می‌گردد تا مرحله اصلی ماموریت آغاز شود.

هنوز سوت پایان بازی به صدا درنیامده که انفجاری مهیب تهران را می‌لرزاند. «دردسر شروع شد.» تورنگ این جمله را می‌گوید. الگانس‌ها خیلی سریع روشن می‌شوند و گروه‌های گشت عازم سطح شهر می‌شوند. بنزهای ۲۳۰ قدیمی هم جلوی پله‌ها می‌ایستند.

«سردار، می‌روند گشت‌زنی؟» یکی از درجه‌دارها می‌پرسد و تورنگ پاسخ می‌دهد: «بگذار سردار بروند سطح شهر، تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد.» التهاب را می‌توان در چهره‌ها دید. کسی نمی‌داند چه اتفاقی می‌افتد. ممکن است ساعات سختی در پیش باشد بی‌سیم بار دیگر به کار می‌افتد و این‌بار صدایی آشنا به گوش می‌رسد (به کلیه واحدهای گشتی) سردار طلایی حرف می‌زند؛ «سعی کنید در مناطقی که احتمال بحران وجود دارد نیروهایتان را بیشتر کنید.»

و بعد او تک‌تک با فرماندهان حاضر در سطح شهر و روسای کلانتری‌ها حرف می‌زند. او از تک‌تک آنها گزارش لحظه به لحظه می‌گیرد. سردار به سطح شهر نرفته و از مرکز عملیات فرماندهی را در دست گرفته. او پشت بی‌سیم نشسته و از مانیتورها شهر را هم زیر نظر دارد.

۱۵ دقیقه از پایان بازی گذشته اما هنوز خیابان‌های بزرگ خلوت هستند. از صدای بی‌سیم می‌توان شنید در میدان هفت‌حوض خبرهایی است. فرمانده دستور می‌دهد ایست بازرسی در محل ایجاد شود. کلانتری ۱۴۷ هم که در میدان هفت‌حوض است خیلی زود دست به کار می‌شود.

جردن، میدان ونک، پارک ملت، نازی‌آباد، نیروی هوایی و شهرک غرب دیگر نقاطی هستند که اسامی‌شان شنیده می‌شود و خیلی زود دستور رسیدگی صادر می‌شود.

بعد از سی دقیقه تقریباً همه چیز تحت کنترل است. دیگر از بی‌سیم تقاضایی برای نیروی کمکی نمی‌شود. سردار حالا می‌تواند پاسخگو باشد. او کنارم ایستاده و می‌گوید: «خوشبختانه امشب یکی از امن‌ترین و آرام‌ترین شب‌های تهران بود که با همکاری مردم سپری کردیم.» ناراحتی از باخت را حتی در چهره او هم می‌توان دید. اینکه گفته می‌شد پلیس دوست دارد تیم ملی ببازد تا شهر آماده باشد را در چهره هیچ یک از آدم‌های اینجا نمی‌توان دید.

او وقتی از فوتبال می‌خواهد حرف بزند این‌گونه شروع می‌کند: «متاسفانه یک اشتباه از بچه‌ها همه چیز را خراب کرد ما آماده بودیم که همراه با مردم شبی شاد را سپری کنیم. به هر حال همیشه تیم ما بازیکنی را دارد که یک اشتباه فاحش مرتکب شود.»

یک ساعت بعد، دیگر بازی آنگولا و پرتغال شروع شده. شهر در امن و امان است و فرمانده نیمی از نیروها را مرخص می‌کند. عقربه‌ها ساعت یازده شب را نشان می‌دهند. همت و مدرس همچنان خلوت هستند. هلی‌کوپتر پلیس به پایگاهش برگشته و آرامش در شهر حاکم است که فرمانده پایان آماده‌باش را اعلام می‌کند تا پایان یک روز کاری که برای او و معاونانش از ساعت پنج صبح آغاز شده فرا برسد.

■ تهران بدون قتل، بدون جنایت

از ساعت هفت تا ده یکشنبه شب تعداد ۱۰۴۱ تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی تهران گرفته شد که این تعداد در شب قبل از آن ۱۳۸۴ مورد بوده است. همچنین در دو ساعت بازی ایران ۷۴۷ مورد تماس با این مرکز گرفته شده که شب قبل از آن در همین مدت ۸۳۴ مورد بوده است.

این آماری است که مرکز پلیس تهران در اختیار ما قرار داد. مرکزی که هر روز بیش از ۲۶ هزار زنگ‌خور دارد یکشنبه شب انگار تعطیل بود. تورنگ مسئول اطلاع‌رسانی این مرکز می‌گوید: «بیش از ۵۰ درصد این تماس‌ها مربوط به تصادفات رانندگی بر اثر عجله برای رسیدن به مسابقه فوتبال در ساعات اولیه شب بوده و چند درصد آنها هم نزاع‌های جمعی، تجمع و... بوده‌اند.»

تورنگ همچنین اعلام کرد که هیچ‌کس در پایان بازی دستگیر نشده و تنها میدان هفت‌حوض، پارک ملت و خیابان جردن در پایان بازی با شلوغی همراه بوده که پلیس با تذکر جمعیت را متفرق کرده است. براساس آمار یکشنبه شب هیچ مورد قتل، سرقت مسلحانه و کیف‌قاپی یا نزاع منجر به جرح از تهران بزرگ گزارش نشده است.

فوتبال بار دیگر قدرت جادویی‌اش را به نمایش گذاشت؛ اینکه شهری به بزرگی تهران را یک مسابقه فوتبال تعطیل می‌کند و آرامش را به شهر باز می‌گرداند. تهران یکشنبه یکی از آرام‌ترین شب‌های تاریخش را سپری کرد.

دریچه

سرنوشت اجساد مجهول‌الهویه در هاله‌ای از ابهام

الهه فراهانی

با توجه به گستردگی و پیچیدگی جوامع هرروزه وقوع قتل‌هایی را در گوشه و کنار شهر شاهدیم که در بسیاری از آنان جسد بدون هیچ‌گونه اوراق هویتی بوده و کسی قادر به شناسایی آن نیست. این موضوع در کلان‌شهری چون تهران، هرروزه به چشم می‌خورد. به‌طوری که در اغلب ایام هفته چند مورد از پرونده‌های قتل افراد مجهول‌الهویه و اجساد ناشناس به دادسرای جنایی تهران ارجاع می‌شود که شناسایی مقتولان و یافتن انگیزه اصلی وقوع درگیری و علت حقیقی مرگ را مشکل می‌سازد و در موارد زیادی این اجساد بدون آنکه شناسایی شوند و بدون کشف علت مرگ به عنوان فوت مشکوک دفن می‌شوند. قاضی حسینی یکی از قضات دادگاه جنایی می‌گوید: مطابق تبصره ماده ۱۵ قانون ثبت احوال مهلت اعلام ولادت، ۱۵ روز از تاریخ ولادت طفل است. یعنی زوجین مکلفند که در این مدت ولادت فرزند خود را به اداره ثبت احوال منطقه اعلام کنند تا ضمن ثبت واقعه تولد، شناسنامه برای وی صادر شود. مطابق ماده ۱۴ همان قانون برای هر فرد شماره شناسنامه‌ای که مخصوص به او خواهد بود تعیین و تخصیص داده شده است. بنابراین شناسنامه‌ای که حاوی نام و نام خانوادگی، تاریخ و محل تولد و... است به عنوان سند هویت هر فرد در اختیار وی قرار می‌گیرد و در عرصه اجتماعی این سند هویت تنها مدرک برای احراز هویت فرد است. بنابراین انسان در زمان حیات، خود هویتش را اعلام و سند هویتی نیز در جهت پشتیبانی از آن ارائه می‌کند. اما فردی که فوت می‌شود و هیچ سند هویتی به همراهش نیست و کسی نیز او را نمی‌شناسد، چون امکان شناسایی هویت وی در آن لحظه نیست لذا مجهول‌الهویه می‌شود. افراد مختلف در جامعه به محض برخورد با جسد، پلیس ۱۱۰ را در جریان قرار می‌دهند یا مراتب را سریعاً به واحدهای گشت در حال عبور و در حین ماموریت اطلاع می‌دهند. در کوچه‌ها، خیابان‌ها و اماکن عمومی که عموماً عامه مردم در حال تردد هستند، جسد توسط افراد عادی غریبه و رهگذران کشف و به پلیس اطلاع داده می‌شود، به همین علت اگر اوراق هویتی به همراه فرد فوت شده نباشد و اتفاق مزبور نیز در یک شهر بزرگ مثل تهران رخ داده باشد، چون شناخته نمی‌شود مشخصات متوفی به عنوان مجهول‌الهویه ثبت و جسد دفن می‌شود. قاضی حسینی پیدا شدن خانواده فرد فوت شده را یکی از مشکلات این گونه پرونده‌ها می‌داند و می‌گوید: معمولاً در چنین مواردی کار بر قاضی دادسرای جنایی سخت می‌شود به خصوص اینکه فردی در محلی غیر از مکان اقامت خود، منزل مسکونی، شهر یا روستای خود باشد که به این ترتیب به اجبار جسد به صورت فردی نامعلوم به خاک سپرده می‌شود. اجسادی که در منازل کشف می‌شوند با توجه به اینکه در حریم خصوصی افراد است، پس این اجساد نمی‌توانند مجهول‌الهویه باشند. البته پاره‌ای از اوقات در پرونده‌هایی مشاهده شده است که در حریم خصوصی خانه‌ای دو نفر فوت شده‌اند که جسد آنها توسط اقوام (به لحاظ اینکه مثلاً چند روزی از او خبری به دست نیامده و به تلفن‌ها پاسخ نداده) و با بهره‌گیری از تلاش مرجع نیروی انتظامی کشف شده و هویت مالک محرز اما هویت مهمان نامشخص است و وقتی از همسایگان تحقیق می‌شود و درخصوص فرد مجهول‌الهویه می‌گویند چند وقتی است که به این محل رفت و آمد می‌کند و نزد صاحبخانه می‌آید ولی او را نمی‌شناسیم و از رابطه آنها بی‌اطلاع هستیم. به عنوان نمونه چندی پیش به ماموران اطلاع دادند که مردی در خانه‌اش به قتل رسیده است. وقتی ماموران در صحنه حاضر شدند جسد دو مرد جوان را دیدند که یکی از آنها صاحبخانه بود و از مدتی پیش به تنهایی زندگی می‌کرد. اما ماموران نتوانستند جسد مرد دوم که احتمالاً به عنوان مهمان در آنجا حضور داشته را کشف کنند. هر دو در اثر ضربات چاقو کشته شده بودند و همسایه‌ها در اثر بوی تعفن جنازه‌ها، پلیس را خبر کرده بودند. به هر حال جسد به عنوان ناشناس دفن شد و تاکنون شناسایی نشده است. قاضی حسینی بلند شدن بوی تعفن از یک مکان را یکی دیگر از راه‌های کشف اجساد مجهول‌الهویه می‌داند و می‌گوید: بعضی اوقات هم جسدی در منزل شخص به لحاظ گذشت زمان فاسد شده و بوی تعفن آن، مردم و همسایگان را آزار می‌دهد و این امر سبب گزارش به مرجع انتظامی شده و به این نحو کشف می‌شود. البته این مورد نیز در بررسی پرونده‌ها به دست آمد و معمولاً افرادی به این نحو در تنهایی فوت می‌کنند که تنها زندگی کرده و رفت و آمد چندانی با اقوام و نزدیکان خویش ندارند و به این ترتیب شناسایی و دستگیری قاتل برای پلیس بسیار سخت می‌شود.

خبر

معتادان آمار بزرگی از اجساد مجهول‌الهویه

قاضی حسینی با بیان اینکه تعداد بسیاری از اجساد مجهول‌الهویه معتاد هستند، می‌گوید: بازپرسان ویژه قتل دادسرای جنایی همواره گزارش‌های کلانتری‌ها را درخصوص کشف اجساد، پرونده‌سازی کرده‌اند و دستورات قضایی را خصوصاً در جهت کشف هویت جسد، صادر می‌کنند. جوانانی که اعتیاد به مواد مخدر پیدا می‌کنند و اعتیاد آنها را به مرحله خطرناکی رسانده و تلاش خانواده در جهت ترک آنها بی‌نتیجه مانده است معمولاً از خانه و خانواده رانده شده و این اعتیاد باعث می‌شود که تن به هر کاری بدهند. معتادانی که به مرحله تزریق رسیده‌اند، معمولاً در اثر شوک آن فوت می‌کنند و ما شاهد پیدایش اجساد معتادان به مواد مخدر در خرابه‌ها و لابه‌لای درختان و شمشادها و اصطلاحاً مکان‌های دنج هستیم. در حالی که آثار تزریق‌های مکرر و متمادی در دست‌ها و گردن آنها مشهود بوده و تعدادی سرنگ نیز در اطراف آنها یافت می‌شود. به هر حال، هرروزه اجسادی با هویت نامعلوم پیدا می‌شوند و همچنان سرنوشت این اجساد مجهول‌الهویه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.